



کار برگ قصه، بازی و رنگ آمیزی

گردنبند پیر برکت حضرت زهرا (س)

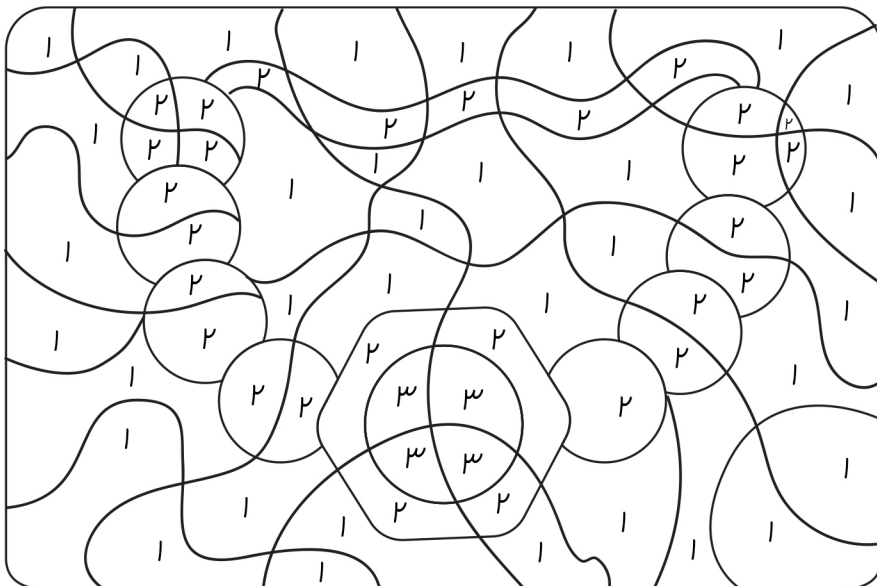
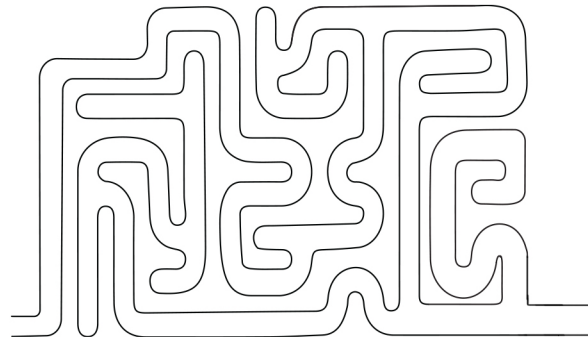


روزی پیرمردی نیازمند پیش پیامبر (ص) آمد و از او کمک خواست. پیامبر (ص) گفتند من الان چیزی ندارم که به تو بدهم، همراه بلال به خانه زهرا (س) برو.



بلال سمت راست پیامبر است. او را پیدا کن سپس نقاشی را رنگ آمیزی کن.

بلال و پیرمرد را به خانه حضرت زهرا (س) برسون.



پیرمرد از حضرت زهرا (س) کمک خواست و ایشان گردنبندشان را به او دادند.

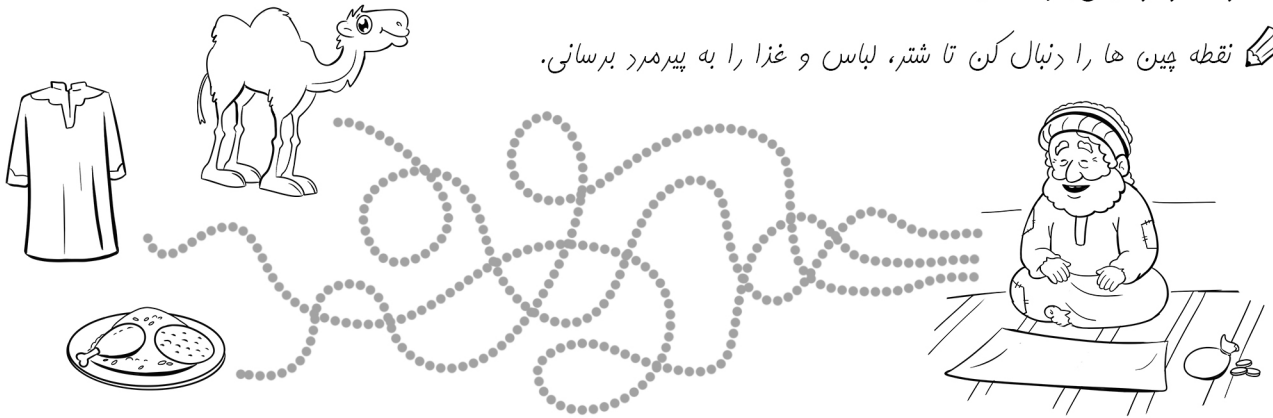
طبق الگو رنگ آمیزی کن تا تصویر گردنبند را ببینی.

۱ = آبی
۲ = زرد
۳ = قرمز



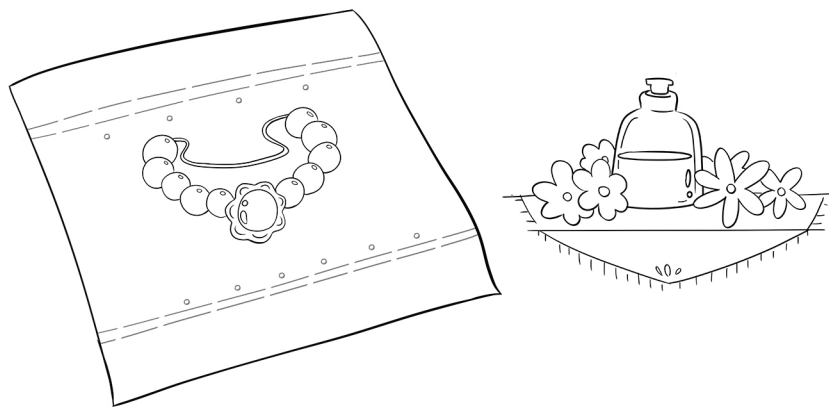
پیرمرد گردنبند را به مسجد پیش پیامبر(ص) برد. در آنجا عمار یکی از یاران پیامبر(ص) به او گفت: گردنبند را از تو می فرم و به جای آن به تو غذا، لباس، پول و شتر می دهم تا پیش خانواده ات بروی. پیامبر(ص) به او گفت برای حضرت زهرا (س) دعا کند.

نقطه چین ها را دنبال کن تا شتر، لباس و غذا را به پیرمرد برسانی.



عمار گردنبند را با عطر فوشبو کرد و در پارچه ای با ارزش پیچید و به همراه غلامش برای پیامبر(ص) فرستاد و گردنبند و غلام را به او هدیه داد.

کوشه های پارچه را پیرا کن و در هر کدام یک گل شبیه کلهای سمت چپ شیشه عطر بکش.



پیامبر(ص) گردنبند و غلام را برای حضرت زهرا (س) فرستاد و به او هدیه کرد. حضرت زهرا (س) گردنبند را گرفت و به غلام گفت: تو آزاد هستی. غلام فوشمال شد و با فنده گفت: عجب گردنبند با برکتی! گرسنه ای را سیر کرد، برهنه ای را پوشاند و نیازمند را برطرف کرد، غلامی را آزاد کرد و به صاحبش برگشت.

نقاشی را زیبا و با دقت رنگ آمیزی کن.

